

دوره دهم تقنيه

جلسه ۲۰

صورت مشروح

مذاكرات مجلس

بالضمان متن قوانین

سه شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۳۱۴ - ۱۷ جمادی الثانيه ۱۳۵۴

تجارت و مصلحت: ۲۰۱

قیمت اشتراك } سالیانه
داخلة : ۲۰ ریال
خارجة : ۱۰۰ ریال
تک شماره : دو ریال

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۴ * (۱۷ جمادی الثانیه ۱۳۵۴)

فهرست مطالب

- (۱) تصویب صورت مجلس
 (۲) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای رئیس فلاح و تصویب آن
 (۳) شور نانی و تصویب لایحه تقشیر صحت حیوانات
 (۴) شور دوم قسمتی از قانون مدنی راجع به حجرو فیومت
 (۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس پنج شنبه ۲۰ شهریور را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

[۱- تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد -
 خیر) صورت مجلس تصویب شد.

[۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای رئیس اداره کل فلاح و تصویب آن]

رئیس - آقای بیات

رئیس کل فلاح (آقای بیات) - بطوریکه خاطر آقایان مستحضر است برای ورود بندر از خارجه بایران يك مقرراتی باید وضع شود مقصود از این مقررات این

است که يك امراضی وارد این مملکت نشود و بذری که وارد مملکت میشود تصدیق صحی داشته باشد بنابراین يك لایحه مختصری است در این خصوص که تقدیم میشود و تقاضای دو فوریت میشود
 رئیس - لایحه قرائت میشود:

مجلس شورای ملی

نظر باینکه مواد نباتی که از خارجه برای کشت و زرع وارد میشود ممکن است آفت زده و خراب بوده و موجب تولید امراض نباتی گردند و باید بوسیله مقرراتی از انتشار

* * عین مذاکرات مشروح بیستمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین با اجازه - آقایان: علی حیدری - حسین فاطمی - دکتر احتشام - محمد حبیبی.
 غائبین بی اجازه - آقایان: طباطبائی دیا - مهدی نمازی - علی وکیل - هراز - مدلل - امیرابراهیمی - بروجردی - مجد ضیائی - ارکانی - مؤید ثابتنی - میرزائی - چمر پناهی.
 دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: بیات - الفیسی.

سرایت آنها جلوگیری نمود لذا ماده واحده ذیل را تقدیم و تصویب آنرا با قید دو فوریت تقاضا مینمایند :

ماده واحده - اداره کل فلاحت مجاز است با تصویب هیئت وزراء برای ورود بذر و سایر قسمت های نباتی که برای کشت و ازدیاد از خارچه بایران وارد میشود شرایط و مقرراتی جهت تامین صحت نباتات تنظیم نموده بموقع اجرا بگذارد.

رئیس - فوریت مطرح است آقایانی که با فوریت اول موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد فوریت دوم مطرح است آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده واحده مطرح است مخالفی نیست ؟ (گفته شد - خیر) آقایانی که با ماده واحده موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .

[۳ - شور ثانی و تصویب لایحه تقنینی صحی حیوانات]
رئیس - شور دوم خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع به تقنینی صحی حیوانات مطرح است قرائت میشود
خبر کمیسیون

کمیسیون اقتصاد ملی پیشنهادات آقایان نمایندگان را راجع به تقنینی صحی حیوانات با حضور آقای رئیس کل فلاحت تحت شور و مذاقه قرار داده و خبر شور اول را با اصلاحاتی تنظیم و برای تصویب مجلس تقدیم مینماید :

ماده ۱ - صاحبان و مباشرین و مستحفظین اغنام واحشام موظفند بمحض بروز مرض مسری بین حیوانات خود مراتب را فوراً بمأمورین تقنینی صحی حیوانی محل خود و اگر

نباشد به حکومت - نظمی - یا امنیه همان محل اطلاع دهند . تبصره - صورت امراض مسری و علامات آن از طرف اداره کل فلاحت بوسیله اعلان با اطلاع عامه خواهد رسید .

ماده ۲ - کلیه مستخدمین دولت بمحض اطلاع از وجود یا بروز مرض مسری حیوانی مکلفند فوراً بنزدیکترین مأمور تقنینی صحی حیوانی مراتب را اطلاع دهند .

ماده ۳ - هر حیوانی که مبتلا بامظنون بابتلای یکی از امراض مسری باشد باید بدون تأخیر از سایر حیوانات جدا و در محل علیحده نگاهداری شود .

ذبح و باز کردن جسد - حمل و نقل و فروش و استعمال گوشت و پوست و زوده و پشم حیوان مبتلا بامراض مسری ممنوع است .

ماده ۴ - در موقع بروز مرض مسری حیوانی رئیس تقنینی صحی حیوانی حق دارد مقررات ذیل را در منطقه که مورد تهدید مرض قرار گرفته بموقع اجرا گذارد :

جدا کردن حیوانات مریض از سالم .
مانعت ورود با عبور حیوانات سالم به منطقه آلوده .
تلقیح حیواناتی که مستعد قبول مرض میباشد .
کشتن و دفن کردن حیوانات مریض .

ضد عفونی کردن طویله ها - اصطبل ها و کلیه اشیائی که ممکن است موجب انتقال مرض شوند
ماده ۵ - تهیه دوا و مایه هائی که تلقیح آن اجباری است و مخارج ضد عفونی کردن مجاناً به عهده اداره کل فلاحت است .

ماده ۶ - مستخدمین تقنینی صحی حیوانی اقلاسه ماه یکمرتبه طویله ها - اماکن مخصوصه تربیت حیوانات - کارخانه های مخصوص تهیه محصولات حیوانی را معاینه می کنند .

ماده ۷ : ۱ - بگوشت حیواناتی که در مسلخ سالم تشخیص داده شوند مهر مخصوص زده میشود مقتضی صحی هر مسلخ موظف است گوشتهای غیر سالم را معدوم و با صورتی در بیارود که استفاده از آن برای مصرف ارتزاقی مقذور نباشد .

۲ - اداره تقنینی صحی محصولات حیوانی موظف است مؤسسات و کارخانهائی را که به تهیه مصنوعات و محصولات حیوانی اشتغال دارند همیشه تحت تقنینی صحی قراردادند .

۳ - مؤسسات مذکور در فوق موظفند محصولات خود را طبقه بندی صحیح نموده و بطوریکه اداره کل فلاحت دستور میدهد برای صادرات باربندی نمایند .

روزی لاف هر بسته از محصولات مزبور توسط مأمورین

مجموع است

صحی حیوانی نمره گذاری و مهر خواهد شد .
۴ - اداره کل فلاحت باید برای هر عدل محصولی که بترتیب فوق نمره گذاری و مهر شده باشد تصدیق نامه صحی بجائی مطابق نمونه که بموجب نظامنامه معین می شود صادر نماید .

ماده ۸ - متخلفین از مقررات این قانون محکوم به حبس از یک تا هشت روز و یا جزای نقدی از ده تا پانصد ریال خواهند گردید .

ماده ۹ - تاریخ اجرای این قانون را در هر یک از ایالات و ولایات اداره کل فلاحت تعیین و اعلان خواهد نمود .

رئیس - ماده اول مطرح است قرائت میشود .
ماده ۱ - صاحبان و مباشرین و مستحفظین اغنام واحشام موظفند بمحض بروز مرض مسری بین حیوانات خود مراتب را فوراً بمأمورین تقنینی صحی حیوانی محل خود و اگر

نباشد به حکومت - نظمی - یا امنیه همان محل اطلاع دهند . تبصره - صورت امراض مسری و علامات آن از طرف اداره کل فلاحت بوسیله اعلان با اطلاع عامه خواهد رسید .

رئیس - موافقین باماده اول قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده دوم

ماده ۲ - کلیه مستخدمین دولت بمحض اطلاع از وجود یا بروز مرض مسری حیوانی مکلفند فوراً به نزدیکترین مأمور تقنینی صحی حیوانی مراتب را اطلاع دهند .

رئیس - موافقین باماده دوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده سوم

ماده ۳ - هر حیوانی که مبتلا بامظنون بابتلای یکی از امراض مسری باشد باید بدون تأخیر از سایر حیوانات جدا و در محل علیحده نگاهداری شود .

ذبح و باز کردن جسد - حمل و نقل و فروش و استعمال گوشت و پوست و زوده و پشم حیوان مبتلا بامراض مسری ممنوع است

رئیس - موافقین باماده سوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده چهارم

ماده ۴ - در موقع بروز مرض مسری حیوانی رئیس تقنینی صحی حیوانی حق دارد مقررات ذیل را در منطقه که مورد تهدید مرض قرار گرفته بموقع اجرا گذارد :

جدا کردن حیوانات مریض از سالم .
مانعت ورود با عبور حیوانات سالم به منطقه آلوده .
تلقیح حیواناتی که مستعد قبول مرض میباشد .
کشتن و دفن کردن حیوانات مریض .

ضد عفونی کردن طویله ها - اصطبل ها و کلیه اشیائی که ممکن است موجب انتقال مرض شوند
رئیس - آقایانی که با ماده چهارم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم
ماده ۵ - تهیه دوا و مایه هائی که تلقیح آن اجباری است و مخارج ضد عفونی کردن مجاناً بعهده اداره کل فلاحت است

رئیس - آقایانی که با ماده پنجم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ششم
ماده ۶ - مستخدمین تقنینی صحی حیوانی اقلاسه ماه یکمرتبه طویله ها - اماکن مخصوصه تربیت حیوانات - کارخانه های مخصوص تهیه محصولات حیوانی را معاینه می کنند .

رئیس - آقایانی که با این ماده موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده هفتم

ماده ۷ - :
۱ - بگوشت حیواناتیکه دره مسلخ سالم تشخیص داده شود مهر مخصوص زده میشود مقتضی صحی هر مسلخ موظف است گوشتهای غیر سالم را معدوم و با صورتی در

مجموع است

مجموع است

بیاورد که استفاده از آن برای مصرف ارتزاقی مقدور نباشد

۲ - اداره تفتیش صحی محصولات حیوانی موظف است مؤسسات و کارخانجاتی را که به تهیه مصنوعات و محصولات حیوانی اشتغال دارند همیشه تحت تفتیش صحی قرار دهد.

۳ - مؤسسات مذکور در فوق موظفند محصولات خود را طبقه بندی صحیح نموده و بطوری که اداره کل فلاحت دستور میدهد برای صادرات باربندی نمایند روی لفاف هر بسته از محصولات مزبور توسط مأمورین صحی حیوانی نمره گذاری و مهر خواهد شد

۴ - اداره کل فلاحت باید برای هر عدل محصولی که بترتیب فوق نمره گذاری و مهر شده باشد تصدیقنامه صحی مجانی مطابق نمونه که بموجب نظامنامه معین میشود صادر نماید

رئیس - آقایانی که با ماده هشتم موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هفتم

ماده ۸ - متخلفین از مقررات این قانون محکوم به حبس از يك تا هشت روز و یا جزای نقدی از ده تا پانصد ریال خواهند گردید

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - بنده در آن جلسه عرض کردم حالا هم عرض میکنم این لایحه باتمام مردم ایران تماس دارد حق به بیوه زنها يك بیوه زنی که يك گاو دارد یا کسی که پنج گوسفند دارد تماسش با همه است. بنده با صحبه حیوانات مخالف نیستم البته باید يك مدت زمانی طول بکشد اسباب و آدم تهیه بکنند و مردم حالی بکنند و تربیاتی بدهند. فرض کنید همین لایحه را بخواهند اجرا کنند تمام مردم ایران که سواد ندارند چوپان و زارع که سواد ندارد و سواد هم که داشته باشد مگر این بدست تمام مردم میرود و همه مطلع میشوند؟ خیر نمیشوند. غیر ممکن است تا وقتی که تمام مردم بفهمند و مطلع بشوند و ملتفت بشوند بسوظیفه خودشان عمل کنند بیست

سال سی سال طول میکشد باین جهت این لایحه که بموقع اجرا گذاشته میشود اسباب زحمت تمام مردم خواهد شد و عوض اینکه مردم را حاضر بکنند برای این کار مردم فرار میکنند باضافه مابك دستورانی داریم اینجا که باید و کبل مطابق دستورات رفتار بکنند و کبل یعنی ناپسند مردم وقتی میآید اینجا قسم میخورند یعنی چه قسمی میخورند که باید حفظ قانون اساسی را بکنند این لایحه سه چهار ماده از قانون اساسی را بهم میزند توام میکند قوه قضائی و قوه مقننه و قوه اجرائیه را این شخص هم خودش قاضی میشود هم اجرا میکند این ماده هیچ نگفته که فلان محکمه این کار را بکنند میگوید اداره فلاحت این کار را بکنند این بر خلاف قانون اساسی است از آن طرف هم این کار دو هزار نفر بیطار میخواهد و ما این قدر طبیب نداریم هنوز برای معالجه آدم طبیب نداریم هر روز اعلان میکنند بنده این را مخالف صلاح مملکت میدانم و الا به بنده هیچ مربوط نیست که مأمورین بروند يك عملیاتی بکنند حشم از میان خواهد رفت و در همین باب حاضر يك لایحه مفصلی بنویسم و ثابت بکنم که تمام حشم ایران از میان خواهد رفت حالا مختارید.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بعقیده بنده چنانکه در شور اول بمرض رساندم یکی از لوايح خوبی که اداره فلاحت تهیه کرده این لایحه است. چرا؟ بملت اینکه يك قسمت صادرات مملکت ما پشم است حیوان است پوست است در صورتیکه اینها مریض و آلوده باشد به مال التجاره ما در بازار های خارجه لطمه وارد میآورد و فروش نمیرود البته وقتی که يك مال التجاره تصدق صحی داشته باشد همه جای دنیا مشتری دارد و فروش میرود (هزار جریبی - تا بحال هم همینطور بوده) حالا آمدیم سر عمل عقیده بنده بر این است که آقای هزار جریبی با اصل موضوع مخالف نیستند البته نمیگویند صحبه حیوانات لازم نیست میگویند چون این قانون تماس دارد با عموم مردم

و کسانی که اغنام و احشام دارند در کوه ها و بیابانها نمی توانند تشخیص بدهند مرضی که در حیوان پیدا شده مسری است یا نیست باین جهت در عمل شاید دچار اشکال بشوند ولی البته ملاحظه فرمودید که این لایحه دارای هشت نه ماده است و اغلب تکلیفاتی است که بر اداره وارد است باید فلان طبیب بیاید فلان محل را ضد عفونی بکند مجاناً حیوانات را معالجه کند اینها همه با اداره است فقط دو ماده اینجا هست یکی ماده اول است که باید اطلاع بدهند فقط صاحبان اغنام و احشام وقتی دیدند مرض سری بین حیوانات خودشان پیدا شده به تفتیش صحی اطلاع بدهند اگر نیست بحکومت اگر نیست بنظمیه اگر نیست با منیه. اما در ماده هشت بنده در شور اول يك اشکالی کردم که هنوز هم باقی است یعنی آن شخص شبانی که در فلان کوه است بخواهد تشخیص بدهد که این مرض مسری است یا نیست این یک قدری مشکل است آوقت حیواناتش که مرد فوری او را بگیرند جرمش کنند که تو خبر ندادی و این هم البته موردی ندارد و بنده تمجیب میکنم با اینکه در شور اول آقای نقابت يك پیشنهاد خیلی عملی و خوبی کردند چرا محل توجه نشد زیرا که ما در قانون مجازات داریم این ماده را در ماده ۲۷۶ تصریح دارد باین مسئله و ایشان هم پیشنهادشان همین بود گویا آقایان اعضاء کمیسیون توجه نکردند پیشنهاد ایشان این بود که مجاز است این ماده را مطابق ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی معین کنیم بنده آن ماده را میخوانم و عقیده ام این است که مجازات این ماده را مطابق همان قرار بدهید که اقل قوانین ما منشئت نشود و همه يك کاسه باشد که البته بهتر است. باب چهارم ماده ۲۷۶ - نسبت بکلیه امور خلایف از قبیل عدم رعایت نظامات راجعه به بلدیه و نظمیه و صحیه و همچنین عدم رعایت نظامات راجعه به درشکه چیها و شوفر ها و حفظ حیوانات و همچنین راجع به ولگردی و گدائی و فحاشی و استعمال الفاظ رکیکه در معابر عمومی و امثال آنها وزارت داخله نظامنامه لازمه تهیه نموده و مقررات آن پس از تصویب وزارت عدلیه

بموقع اجرا گذاشته خواهد شد ولی در هر حال مجازاتی که بموجب نظامنامه مزبوره مقرر میشود نباید از یکروز حبس و سه قران غرامت کمتر و از يك هفته حبس و پنج تومان غرامت بیشتر باشد. (طهرانچی - عیناً ماده همین است) نخبیر ماده اینطور نیست تا ده تومان است اگر ماده اینطور بود که عین پیشنهاد ایشان بود. بنده عقیده ام این است بپذیرید که این مجازات مطابق ماده ۲۷۶ باشد و جنبه آن تفاوت ندارد.

رئیس - آقای نقابت

نقابت - قسمتی از عرایض بنده همان بود که آقای مؤید احمدی توضیح فرمودند چون این تخلف از دستورات صحی است بنده پیشنهاد کردم که مجازات خلایف معین شود عرض دیگری ندارم.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده در این قسمت اول شروع میکنم جواب آقای هزار جریبی را عرض میکنم. فرمودند این قانون تماس با قانون اساسی دارد چون هم مأمور اجراست و هم مأمور دادن حکم اینطور نیست قانون اساسی قوای قضائی مملکت را از قوای مجریه تفکیک کرده حق تعیین حبس و غرامات که اینجا نوشته شده با قوه قضائی است در جلسه قبل هم عرض شد که باید برود به محاکم صالحه اگر محکوم به حبس یا جزای نقدی شد آنرا بموقع اجرا بگذارند و الا مأمورینی که برای اجرای این قانون هستند نمیتوانند برای اشخاص حبس معین کنند و بطور عموم در هر لایحه که مجازاتی دارد بر طبق قانون اساسی باید به محاکم صالحه رجوع شود و باید محکمه حکم بدهد آوقت آنها اجرا کنند پس مخالفی ندارد. اما در قسمت دیگر که آقای مؤید احمدی و آقای نقابت فرمودند که این را مجازات خلایف معین کنند این تفاوت دارد و همه نظر در این قانون رفته است به چوپان یا بیوه زنی که يك دانه گاو دارد ولی این مجازات برای او نیست این قانون دارای هشت ماده است و يك ماده آن اجرائی است تمام مؤسسات صحی و تجارخانه ها و کارخانه های که تهیه مواد حیوانی میکنند

نسبت بآنها کمتر مجازات معین شود و الا جزای نقدی از ده الی پانصد ریال معین شده و ممکن است بهمان يك تومان مجازات شود اما مؤسسات دیگری است که باید پس از ذبح شدن گوشت و پوست او را بیاورند و مطابق ترتیبی که در این قانون ذکر شده آنها را معاينه و صادر کنند خوب اگر این مؤسسات این مقررات را اجرا نکنند مقصود و منظور قانون را بعمل نیاورند اینها هم باید بیک تومان و یک روز حبس محکوم شوند؟ يك کارخانه معظمی را پنج تومان جریمه کنیم چه میشود؟ پس تصدیق میفرمائید که يك حد اقل و اکثری دارد میگوید از يك تا هشت روز و بنده تصور میکنم وقتی که حد اقل را گذاشتیم برای کسانیست که کمتر باید جریمه و مجازات شوند اما حد اکثر را هم لازم داریم برای کارخانهها و مؤسسات مهمی که آنها هم قانون را خوب می فهمند و خوب میدانند و در اینصورت با گذاشتن این قانون و اعلان در جرايد آنوقت اگر عمل نکنند بطور عمد يك اعمالی را بکنند باید مجازاتش يك تومان باشد این چه جریمه ایست برای يك کارخانه؟ با اینکه مثلاً يك روز حبس شود در صورتیکه قابل اکتیاع است و فرضاً پانزده قران قیمت خرید يك روز حبس میشود. حبس که از دو ماه کمتر باشد قابل اکتیاع است. اینها مهم نیست در هر صورت حبس هم لازم است زیرا ممکن است يك زارع بیچاره نداشته باشد پول بدهد نظر این نیست که او را حبس و اذیت کنند بلکه نظر خدمت بخود این اشخاص است و بنده تصور میکنم این قانون سر تا پای به نفع آن زارعین و فلاحین و صاحبان حیوانات و بیوه زن هائی است که آقای هزار جریبی از آنها مذاکره فرمودند. برای خدمت بهمین ها است نه اذیت به آنها. بنده از این قانون امیدواری ها دارم. همان اشخاصی که دارای يك گاو هستند بهره زبادی از این قانون خواهند برد. برای اینکه هر قدر تجارت و صادرات این مواد بهتر و زیادتر شود به نفع آنهاست. اینها چه قدر در حال خسارت گاو میری و گوسفند میری دارند که

برای فرستادن بخارجه همه اینها در این قانون تکالیفی دارند و این مجازات هم برای متخلفین این قانون است و اینجا نظر دولت و کمیسیون این نبوده که برای يك اشخاصی که مشغول نگاهداری دو تا گوسفند هستند تولید زحمت بکنند و آنها را جزای نقدی یا حبس بکنند بر عکس تمام نظر قانون این بوده که برای همان بیچاره صاحب گاو و گوسفند خدمت بشود برای اینکه محصولات او خوب فروش برود و بآنها کمک بشود و اینها از بیچارگی و فلاکت بیرون بیایند. مواد دیگر این قانون را که ملاحظه میکنیم میگوید اداره فلاحت موظف است مأمور بفرستد تمام جاها و دوا های آنها را مجانی بدهد اینها فوایدش بهمان بیچاره چوپان بر میگردد. اما چیزی که هست میگوید در ماده اول که مباشرین و مالکین موظفند که مرض مسری حیوانات را خبر بدهند آقای مؤید احمدی میفرماید از کجا می فهمند که این مرض مسری است در همان تبصره آن ماده گفته است علامات باید اعلام شود (مویند احمدی) - زارع نمیتواند تشخیص بدهد (اولا گفته میشود که دارای این علائم است وقتی هم که نتوانست تشخیص بدهد و ملتفت نشد حکم جاری نمیشود کسی نفهمد جریمه نمیشود مگر اینکه ثابت شود که او میدانسته و علائم را تشخیص داده و عمداً اطلاع نداده است البته در اینصورت باید او را مجازات کرد برای اینکه این تنها بمال خودش ضرر نزده است بمال تمام مردم صدمه زده است بنده اگر يك گوسفندم يك مرض مسری پیدا کرد و ملتفت شدم و نگفتم آیا نتیجه اش فقط در حق خودم است و نسبت بخودم ظلم کرده ام یا در حق عموم؟ البته این قبیل اشخاص باید مجازات داشته باشند و این هم يك مجازات خیلی سختی نیست برای اینکه اینجا مینویسد از يك تا هشت روز و نسبت بیک اشخاصی که حقیقه کمتر مقصود محکمه یا قاضی کمتر معین میکنند این بسته است بنظر قاضی مگر اینکه بگوئیم در قضاوت حد اکثر را معین میکنند. اگر معلوم شد که تقصیر از درجات کوچک است و سهل و سهو جزای است ممکن است

مای شنوم در همه جای ایران گفته میشود فلان منطقه دارای صد هزار گوسفند و حشم بوده و فلان قدرش تلف شده یا در فلان منطقه دیگر چطور شده! بنده خودم دارای حشم نیستم ولی می شنوم. این قانون برای جلوگیری همین ضایعات است که دولت مجانی و بلاعوض انجام آنرا بعهده گرفته که فواید و منافع آن بر میگردد به صاحبان احشام و حیوانات. و این جریمه که در اینجا نوشته شده برای کسانی است که عمداً این کار را بکنند و البته کسی که متعمداً چیزی را امیدانسته و خبر نداده این ظلم تنها بخودش نکرده بلکه به تمام جامعه ظلم کرده زیرا گوسفند و حشم همرا از بین برده است.

رئیس کل فلاحات - البته توضیحاتی که لازم بوده آقایان داده اند آقای هزار جریبی هم اظهار فرمودند حالا با توضیحاتی که بنده میدهم امیدوارم کاملاً رفع نگرانی شان بشود. ما نظر نداریم اسباب زحمت بکنفر چوپان یا رعیت بطوری که در اینجا مذاکره میشود بشویم چه خودمان یا مأمورینمان بلکه برعکس این قانون برای رفاهیت عامه است یعنی اگر گاو و یا گوسفند یا حیوانی در جائی مریض شد و اطلاع دادند ما برویم معالجه کنیم ما الان خودمان تجربه داریم که وقتی يك اتفاقی می افتد خودشان تلگراف میکنند بمأمورین دولت و خبر میدهند بمالکش خبر میدهند هر روزه پیش ما میفرستند. این محل تردید نیست که وقتی دیدند مخصوصاً رعیت ملتفت شد که يك چیزی برایش دخیل دارد خودش اقدام می کند. بنده در يك قسمتهائی دستور دادم. در قسمت های مرض آقایان می دانند که در تمام ایران هست مخصوصاً گفتیم بروند در دهات اگر هزار تا گوسفند است صدتایش را علامت بگذارند دوا بهش بدهند تا خود آن رعیت متوجه بشود البته وقتی دید آن گوسفند بهتر است و معالجه شده میآید سراغ ما. بنده يك موقع بادم میآید که بازه این مؤسسه دفع آفات حیوانی را دائر کرده بودیم در طهران و مازندران. خیلی ها میآمدند پیش بنده و می گفتند این اگاوهای ما را که سرم میزنند می کشند

حتی بعضی مقامات رسمی هم به بنده می گفتند یعنی بنده نشان اینطور حالی شده بود که مقصود از دفع آفات حیوانی خیال کردند کشتن حیوانات است نه معالجه آنها بنده خودم با يك عده رفتم بمازندران گاو میری بود. مردم خودشان گاو هاشان را میآوردند می گفتند حاضریم پول هم بدهیم (پنج قران هم قرار داده بودند) و گاو های ما را سرم بزنید. مقصود این است وقتی رعیت فایده يك کار را دید از دادن پول هم مضایقه نمیکنند تا چه رسد باین که خبر بدهد یا تلگراف کند. ما اینجا يك کار فوق العاده از آنها تقاضا نکردیم مقصود از این ماده اینست اولاً مقصود از این ماده هشت آن ماده اول نبوده و ثانیاً هم مورد دقت و مذاکره واقع شد رفت به کمیسیون و خیلی کوچکش کردند و آوردند این جا و مبلغ کمی برایش مقرر داشتند و این برای کارخانجات و مؤسساتی است که وظیفه خودشان را نمیدانند یا فلان گوشت را تهیه میکنند یا فلان پوست و پشم را صادر می کنند و خلاصه يك کارهائی برخلاف نظامات و مقررات که به محصول و حیثیت مملکت بر میخورد و صدمه میزند می کنند ما این مجازات را برای آنها قرار دادیم حالا این مذاکرانی هم که آقایان فرمودند برای اینکه رفع سوء تفاهم بشود و خیال آقایان راحت شود ممکن است در ماده اول تبصره اضافه شود و بنده هم موافقت میکنم قید شود که مقصود از این ماده ۸ برای چه کسانی است. ما این نظر را نداریم که دنبال فلان چوپان برویم نه خودمان و نه مأمورمان و سعی می کنیم که مزاحم نباشیم بنده در این مقام رسمی عرض میکنم هر کس دید از آقایان و کلاب یا مالکین و دیگران (که باید خودشان مواظب باشند) که مأمورین نفتیش صحنی یا حیوانی یا نباتی يك تخلفاتی کردند بما اطلاع بدهند و ما جلوگیری میکنیم و کال امتنان را هم خواهیم داشت. زیرا تعقیب و جلوگیری میکنیم. ما که تفنگ و اسلحه نداریم که فلان آدم اگر از دست ما عارض شد بگوئیم می کشیم. همچو نظری نداریم آقایان هر جا دیدند يك مأمور تخلف و خطا کرد به خود بنده بگویند او را مجازات و تعقیب خواهیم کرد.

جمعیه از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .

پیشنهاد آقای هزار جریبی

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۸ حذف شود .

هزار جریبی - بنده قانع شدم و مسترد میدارم .

پیشنهاد آقایان مؤید احمدی و نقابت

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده هشت اضافه شود

تبصره - متخلفین از ماده يك این قانون در حکم متخلفین از

دستورات صحیح محسوب و به مجازات خلافی محکوم خواهند شد

رئیس کل فلاحی - بنده موافقم و برای رفع سوء تفاهم

همینطور قبول میکنم .

مخبر کمیسیون اقتصاد ملی (علی و کیلی) - بنده

هم قبول میکنم .

مؤید احمدی - يك پیشنهادی هم آقای احتشام زاده

کرده اند تصور میکنم بعد از قبول این اصلاح دیگر مورد

نداشته باشد .

روحی - مسترد میدارند

رئیس - آقای فرشی .

فرشی - در آن پیشنهاد آقای مؤید احمدی بنده معتقدم

مجازات خلافی که در اینجا مندرج شده و حواله کرده اند

به ماده امور خلافی بنظر بنده اگر در اینجا نوشته و

تصریح شود بهتر است که از يك روز تا پنج روز و از

سه قرآن تا پنجاه قرآن بجای اینکه حواله شود عینا نوشته

شود که در خود ماده روشن و معلوم باشد و در موقع

اجرا معلوم باشد و برای اشخاص بیسواد اسباب اشکال

نباشد . اگر این طوری که عرض کردم نوشته بشود اینجا

بهتر است .

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده تصور میکنم وقتی که کلمه خلافی

گنیم چون در مجازات است اشکالی ندارد البته

خاطر آقایان هست که قانون مجازات تصویب کرده چاره‌ها را

به کتاب جنایت و جنحه و خلاف و در کتاب خلاف عین همین ماده بود که خواندم در پشت تریبون اینجا هم نوشتیم بمجازات خلافی محکوم میشود یعنی عین همان ماده حالا میفرمائید عین آن ماده را در این جا زیاد کنیم توضیح واضحی است .

اورنگ - همین توضیحی که در مجلس گفته شد

کافی است .

رئیس - رأی میگیریم به ...

احتشام زاده - بنده پیشنهاد داده ام .

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای احتشام زاده :

پیشنهاد میکنم در ماده هشت عبارت و یا جزای نقدی از ده تا پانصد ریال حذف شود .

احتشام زاده - پیشنهادی که آقایان مؤید احمدی و

نقابت دادند اگر تعمیم میداشت و منحصرأ جزای متخلفین

از ماده يك میبود البته دیگر پیشنهاد بنده موردی نداشت

برای اینکه کاملاً نظر بنده تأمین میشد ولی چون پیشنهاد

آقایان منحصرأ مربوط به متخلفین ماده يك است و تصویب

تبصره است با الحاق بماده این است که بنده در اصل ماده بصورتی

که تنظیم شده اشکال دارم و عرض میکنم و اگر توجه بفرمائید

ملاحظه خواهند فرمود اشکال بنده وارد است اصلاح

بفرمائید . اصولاً در مجازات ها رعایت يك نکاتی که در

مجازات هست باید بشود . قانون مجازات عمومی جرائم

را سه درجه تقسیم کرده و برای هر يك از درجات هم

حد معینی از مجازات را معین کرده - اگر بخواهیم يك

نوع جرم را تطبیق کنیم با جزائی که در قانون مجازات

با آن نوع از جرم پیش بینی شده نباید مجازات او را زیادتر

یا کمتر کنیم از آن مجازاتی که در قانون برای آن جرم

پیش بینی شده و اگر این طور بکنیم بنظر بنده خلاف اصل

کرده ایم و تخلف از قانون کرده ایم و از يك اصل قضائی که

آمده اند و برای تسهیل مردم در قانون مجازات و طبقه

بنده در این جا کرده اند نوع جرم ها با مجازات را ما از آن

اصل تخلف کرده ایم . در قسمت جرم این ماده

البته همانطور است که تصویب شد و گذشت . ولی در قسمت جزای نقدی بعقیده بنده تجاوز شده است برای اینکه در قانون مجازات عمومی برای خلاف مجازات نقدی که معین کرده کمتر از این است و از میزانی که در قانون مجازات معین شده تجاوز شده و بالا تر رفته . به علاوه ما يك اصل کلی داریم و آن این است که حبس های کمتر از دو ماه عموماً قابل ابتیاع است دیگر موجب ندارد که ما در اینجا نقدی بنویسیم وقتی که از يك روز تا ۸ روز محکوم شده مطابق مقررات میتواند این حبس خودش را ابتیاع کند بنا بر این موجبی ندارد که ما در این جا جزای نقدی هم بنویسیم خاصه که این جزای نقدی از جزای مقرر در قانون برای خلاف زیاد تر است این است که بنده پیشنهاد کرده ام عبارت جزای نقدی از ماده حذف شود برای این که بطور کلی هر حبس از يك روز تا ۸ روز قابل ابتیاع است . حاجت نیست که ما این جا بنویسیم باین جهت بنده این پیشنهاد را کرده ام که این قسمت جزای نقدی حذف شود یعنی در عمل همینطور اعمال میشود و قهراً قابل ابتیاع خواهد بود و نوشتن آن در اینجا خاصه با تجاوز از حد قانونی چندان خوب نیست

رئیس کل فلاحی - البته با تشریف داشتن آقای

وزیر عدلیه در این جا چنانچه لازم باشد توضیح

خواهند فرمود ولی بنده باید چیزی را به آقای احتشام

زاده عرض کنم که این تمام مجازات ها خلافی نیست موارد

اینجا البته فرق دارد با آنکه اشاره فرمودید . البته هر

قانونی میتواند برای مواد خودش يك جریمهائی قائل شود

این را حالا بنده از نظر قضائی عرض نمیکنم ولی از نظر

کلی این طور است يك قسمتی خلافی است و يك قسمتی

نمکن است خیلی بالاتر از خلافی باشد . ملاحظه

بفرمائید يك کارخانه می آید و آذوقه يك مملکتی

را مسموم می کنند . خوب ما میگوئیم این خلاف کرده

است و پنج روز حبس برای او قرار دهیم یا پانزده قرآن

جرم از او بگیریم . این در هیچ جای دنیا سابقه ندارد

(صحیح است) و در هیچ جای دنیا نمکن نیست همچو اصلی را در نظر بگیرند . نه دولت پیشنهاد می کند و نه مردم قبول می کنند همچو چیزی نیست البته روی هر قسمت از جرم باید يك مجازات هائی باشد . آقایان خیال فرمودند نظر ما به مجازات آن رعیت و چوپان است بنده برای آقای هزار جریبی توضیح دادم و ایشان هم قانع شدند که مقصود ما این نیست . اما حالا اگر يك کسی در کارخانه خودش يك خطا هائی میکند و از آن راه يك مملکتی را گرفتار کند این را بنده بیایم بگویم سه روز حبس شود البته محاکم می بینند ملاحظه می کنند اگر تشخیص دادند جرم خلافی است رأی خلافی میدهند و اگر دیدند زیادتر از آن است که باز رأی میدهند . بنده تصدیق میکنم که ما خیلی کم گذاشتیم برای يك جرم باین بزرگی این مجازات کم است و خیلی زیاد تر باید باشد ولی در عین حال يك کارخانه اگر يك کار خلاف کرد و در مواد آذوقه یا صادراتی که جان مردم در دست اوست يك کار هائی کرد این را ما بیایم بگوئیم سه روز حبس شود و پانزده قرآن بدهد ؟ این صحیح نیست

رئیس - آقایانی که با پیشنهاد آقای احتشام زاده موافقت

قیام فرمایند (چند نفر برخاستند) تصویب نشد رأی گرفته

میشود بماده ۸ با تبصره که با اطلاع آقایان رسیده است

آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

تصویب شد . ماده ۹

ماده ۹ - تاریخ اجرای این قانون را در هر يك از

ایالات و ولایات اداره کل فلاحی تعیین و اعلان خواهد

نمود .

رئیس - موافقین با ماده ۹ قیام فرمایند . (اکثر

قیام نمودند) تصویب شد شور و مذاکره در کلیات نائی

است آقای نیکپور

نیکپور - بنده اصولاً با این قانون کاملاً موافقت

دارم و خیلی قانون مفیدی میدانم ولی يك موضوع

خیلی مهمی را در ضمن این قانون با گذراندن

کلمه کوچکی در ضمن قسمت سوم از ماده ۷ گذرانندیم و از او رد شدیم و آن بعقیده بنده فوق العاده در اجرا و در عمل هم برای صادر کنندگان و هم برای اداره فلاحت اسباب زحمت خواهد بود. و آن موضوع استا ندارد و طبقه بندی کردن صادرات است. این موضوع را خود رئیس کل فلاحت تصدیق دارند که یکی از موضوعات مهم تجارت مملکتی است. نه تنها راجع است به پشم و روده و پوست و سایر اقسام و مواد حیوانی که از اغنام واحشام تولید میشود بلکه در تمام قسمت های صادرات مملکت مؤثر است و به عقیده بنده صرف گذاشتن این کلمه در این جا و ایجاد تکلیف برای مؤسسات و کارخانجات تولید کننده این مال التجاره نمودن این نه مقصود دولت را تأمین می کند از حیث اینکه مال التجاره صادراتی را استا ندارد کند و نه اجرای این قانون را سهل میکند علی الخصوص با گذاشتن مجازات برای متخلفین. این جا در قسمت سه از ماده ۷ متذکر است بر اینکه مؤسسات مذکور در فوق که آن مؤسسات مذکور در فوق عبارت اند از کارخانجاتی که تدارک محصول می کنند و موظفند محصولات خود را طبقه بندی صحیح نموده و بطوری که اداره کل فلاحت دستور میدهد برای صادرات باربندی نمایند و مطابق دستور اداره فلاحت برای صادرات باربندی بکنند البته تصدیق میفرمایند اگر طبقه بندی را هم اداره فلاحت دستور بدهد (نه تنها باربندی را چون طبقه بندی با باربندی تصدیق میفرمایند خیلی فرق دارد) که مطابق دستور اداره فلاحت باید طبقه بندی و استنادارد کنند خیلی بهتر است و اینجا خوب است قید شود مطابق دستور اداره فلاحت صادرات مملکت را استنادارد و باربندی کنند ولی اینجا مینویسد باربندی را مطابق دستور اداره فلاحت بکنند اما طبقه بندی را خودشان بکنند و طبقه بندی صحیح بکنند آنوقت اگر بر خلاف این رفتار کردند مشمول مجازات میشوند بنده تصور میکنم که اگر مقصود دولت این است که صادرات خوب بشود باید طبقه بندی و استنادارد

را خود اداره فلاحت دستور بدهد که هم باربندی و هم طبقه بندی را هر دو را دستور بدهد که مطابق آن اجناس صادراتی را تهیه کنند و اگر تنها به باربندی اکتفا شود و طبقه بندی را توجه نکنند مفید نخواهد بود و در اجراء و عمل هم دولت را دچار اشکال میکند.

رئیس کل فلاحت - بنده کاملاً با نظر آقا موافق هستم و البته فرض بفرمائید که میخواهند پشم صادر بکنند البته باید متخصصین تصدیق بدهند و معین شود که مثلاً کوسفند هر ناحیه پشمش تطبیق میکند با چه نوع پشم در خارجه مثلاً ما تطبیق میکنیم که پشم در ورامین مثلاً با چه نوع پشم در خارجه مطابق است و همینطور این کوسفند هائی که از خارجه وارد کرده ایم پشم نقاط مختلف را با پشم آنها تطبیق میکنیم که هر کدام اینها پشمشان با چه نوع کوسفند مطابق است و هر کدام اینها مطابق چه طبقه است و در بازار دنیا به چه قیمتی میتوان فروخت این نظر البته نه تنها نسبت به باربندی خواهد بود بلکه نسبت به طبقه بندی هم هست و اداره فلاحت طبقه بندی را هم دستور میدهد که مطابق آن دستور باید استنادارد کنند و اگر طبقه بندی درست نشود به قیمتی که باید فروش نمیرود و باربندی را که اداره فلاحت دستور میدهد و طبقه بندی هم با مقامات صلاحیت دار است البته اداره تجارت در این قانون باید نظر داشته باشد اطابق تجارت هم باید نظر داشته باشد سایر مقاماتی هم که مطلع هستند غیر از متخصصین فنی باید آنها هم شرکت کنند که يك طبقه بندی صحیح اعلان کنیم و میگوئیم که مطابق این ترتیب باید طبقه بندی بکنند و مال خودشان را حاضر بکنند و بیشتر مقصود ما این است که مال التجاره ما مطابق يك استنادارد صحیح وارد بازار دنیا بشود و تمام این وسائل را در نظر میگیریم و فراهم میکنیم و این توضیح هم در صورت جلسه البته نوشته میشود و قید میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود به مجموع مواد آقا اینکه موافقت با مجموع قانون دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۴- شور دوم قسمتی از قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به حجر و قیمومت مطرح است شور دوم:

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه برای شور ثانی لایحه نمره ۱۲۴۲۳ دولت در حجر و قیمومت را که در تعقیب قانون مدنی پیشنهاد شده مطرح و با حضور آقای وزیر عدلیه پیشنهادات آقایان نمایندگان را هم مورد شور و مذاقه قرار داده بالاخره پس از مذاکرات لازمه کمیسیون راپرت شور اول خود را بشرح آتی اصلاح و اینک خبر آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.

کتاب دهم

در حجر و قیمومت

فصل اول - در کلیات

ماده ۱۲۰۷ - اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

- ۱ - صغار
- ۲ - اشخاص غیر رشید
- ۳ - مجانین

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۰۷ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۰۸:

ماده ۱۲۰۸ - غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۰۸ قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۰۹:

ماده ۱۲۰۹ - هر کس که دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است معذک در صورتیکه بعد از پانزده سال تمام رشید کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج میشود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۰۹ قیام فرمایند.

(جمع زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۰:

ماده ۱۲۱۰ - هیچکس را نمیتوان بعد از رسیدن به هجده سال تمام بعنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۰ قیام فرمایند.

(بیشتر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۱:

ماده ۱۲۱۱ - جنون بهر درجه که باشد موجب حجر است.

رئیس - آقا بنده که با ماده ۱۲۱۱ موافقت دارند بر خیزند.

(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۲:

ماده ۱۲۱۲ - اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط با اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلا اثر است معذک صغیر نیز میتواند تملك بلاعوض کند قتل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیاتت مباحات.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۲ قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۳:

ماده ۱۲۱۳ - مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمیتواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی باقیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه مینماید نافذ است مشروط بر این که افاقه او مسلم باشد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۳ قیام فرمایند.

(جمع زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۴:

ماده ۱۲۱۴ - معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از این است که این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۴ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۵:

ماده ۱۲۱۵ - هرگاه کسی مالی را بتصرف صغیر غیر میز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسؤل ناقص یا تلف آن مال نخواهد بود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۵ قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۶:

ماده ۱۲۱۶ - هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۶ قیام فرمایند.
(بیشتر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۷:

ماده ۱۲۱۷ - اداره اموال صغار و مجانیین و اشخاص غیر رشید بعهده ولی یا قیم آنان است بطوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۷ بر خیزند
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۱۸:

فصل دوم
در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸ - برای اشخاص ذیل نصب قیم میشود

- ۱ - برای صفاری که ولی خاص ندارند.
- ۲ - برای مجانیین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.
- ۳ - برای مجانیین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها نباشد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۸ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. یکصد و نود و یک در برخاستن آقایان
فناوت فرمایند که بهتر توان آراء را تشخیص داد ماده ۱۲۱۹:

ماده ۱۲۱۹ - هر يك از ابوين مكلف است در مواردی که بموجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را بمدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۱۹ قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۰:

ماده ۱۲۲۰ - در صورت نبودن هیچیک از ابوين با عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربائی است که باشخص محتاج به قیم در يك جا زندگی مینمایند.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۰ قیام فرمایند.
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۱:

ماده ۱۲۲۱ - اگر کسی که بموجب ماده ۱۲۱۸ برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۱ قیام فرمایند.
(بیشتر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۲:

ماده ۱۲۲۲ - در هر موردی که مدعی العموم بنحوی از انحاء بوجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید بمحکمه شرع رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب میداند بمحکمه مزبور معرفی کند محکمه شرع از میان اشخاص مزبور يك یا چند نفر را بچند نفر را بسمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می کند و نیز بمحکمه مزبور می تواند علاوه بر قیم يك یا چند نفر را بعنوان ناظر معین نماید. در این صورت محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند.

اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده اند معتمد

ندید معرفی اشخاص دیگری را از پارکه خواهد خواست.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۲ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۳:

ماده ۱۲۲۳ - در مورد مجانیین مدعی العموم باید قبلاً رجوع به خیره کرده نظریات خیره را بمحکمه ابتدائی ارسال دارد - در صورت اثبات جنون مدعی العموم بمحکمه شرع رجوع می کند تا نصب قیم شود. در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی العموم مکلف است که قبلاً بوسیله مطمئن اطلاعات کافی در باب سفاقت او بدست آورده در صورتیکه سفاقت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم بمحکمه شرع رجوع نماید.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۳ قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۴:

ماده ۱۲۲۴ - حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانیین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی العموم خواهد بود.

طرز حفظ و نظارت مدعی العموم بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۴ قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۵:

ماده ۱۲۲۵ - همینکه حکم جنون یا رشد بکنفر صادر و بتوسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی العموم می تواند حجر او را اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر بوضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمدتاً واقع گردد الزامی است.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۵ برخیزند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۶:

ماده ۱۲۲۶ - اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد بعلمت جنون یا سفیه مجبور می گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه بدفتر مزبور برای عموم آزاد است.

مخبر - اینجا کلمه سفیه اشتباه طبعی است و سفه است اصلاح بایستی بشود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۶ قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۷:

ماده ۱۲۲۷ - فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا از طرف محضری بعمل آمده باشد که قانوناً قائممقام محکمه شرع محسوب می شود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۷ قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۸:

ماده ۱۲۲۸ - در خارج ایران مأمورین قنصلی ایران حق دارند نسبت با ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارك عمل خود را بوسیله وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه بفرستند نصب قیم مزبور وقتی قطعی می گردد که محکمه شرع طهران تصمیم مأمور قنصلی را تنفیذ کند.

رئیس - موافقین با این ماده قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۲۹:

ماده ۱۲۲۹ - وظایف و اختیاراتی که بموجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانیین و اشخاص غیر رشید مقرر است در خارج ایران بعهده مأمورین قنصلی خواهد بود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۲۹ قیام فرمایند.
(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۲۳۰:

ماده ۱۲۳۰ - اگر در عهود و قرار داد های منعقدہ بین دولت ایران و دولتی که مأمور قونسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجراء می کنند ترتیبی برخلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که بامقررات عهد نامه یا قرار داد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

رئیس - موافقین باماده ۱۲۳۰ قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۲۳۱ :

ماده ۱۲۳۱ - اشخاص ذیل نباید بسمت قیمومت معین شوند:

- ۱- کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.
- ۲- کسانی که بعلت ارتکاب جنایت بایکدی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند.
- سرق - خیانت در امانت - کلاه برداری - اختلاس - هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت باطفال - ورشکستگی به تصریح.
- ۳- کسانی حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.
- ۴- کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.
- ۵- کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوائی بر محجور داشته باشد.

رئیس - موافقین باماده ۱۲۳۱ برخیزند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۲۳۲ :

ماده ۱۲۳۲ - با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء محجور مقدم بر سایرین خواهند بود.

رئیس - موافقین باماده ۱۲۳۲ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۲۳۳ :

ماده ۱۲۳۳ - مدون تعین خواهند بود و رضایت شوهر بخود قیمومت را قبول کنند.

رئیس - موافقین باماده ۱۲۳۳ قیام فرمایند.

روحی - بنده خواستم بطور کلی عرض کنم که يك قدری وضعیات جامعه از هر جهت رو بکمال رفته است مخصوصاً قوانین هم باید از حیث انشاء بقدری روان باشد که همین قدر که بکنفر خواندن و نوشتن را دانست آشنا به آن قانون باشد و مواد آنرا بفهمد ما در صورتی که می توانیم يك لغاتی پیدا کنیم بجای مولی علیه و محیل له و غیره بهتر است که لغات قدری روشن تر را بگذاریم که عامه بفهمند و جامعه و مردم بدانند خیلی اشخاص هستند توانائی ندارند و کیل بگیرند ولیکن انقدر حرفشان حق است و قدرت دارند که بروند در يك محکمه محاکمه کنند ولی وقتی که دیدند مولی علیه و محیل له و محال علیه در کار است و هر کدام از اینها چند معنی دارد نمیتوانند بروند حشاشان را ثابت کنند محیل چند معنی دارد یکیش بمعنی حواله است این را بگوئیم حواله شده یا حواله داده شده باوا اگر اینطور بنویسیم خیلی آسان است این را استدعا میکنم بقدری دقت بفرمائید مخصوصاً توجه آقای وزیر عدلیه را جلب می کنم که در قوانین آتی دقت بفرمایند که این لغات بقدری اصلاح شود که جامعه بفهمد

مخیر - البته این يك تذکری بود که آقای روحی دادند الفاظی که ممکن باشد لغت دیگری بجایش بگذاریم ممکن است اما آخر باید مانوس هم باشد باید خرده خرده پیدا کرد این جور لغات را گذارد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۳۷ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۲۳۸ :

ماده ۱۲۳۸ - قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگر چه نقصان یا تلف مستند به تقصیر یا تعدی قیم نباشد.

رئیس - آقای جوشیدی.

جوشیدی - عرض کنم در این قسمت از عرضی که می خواهم بکنم منظور و مقصود خاصی ندارم فقط رفیق

جنبه مشورت و حل قضیه است . يك وقتی بنده ارکارکنان خود عدلیه شنیدم که بعد از تصویب قانون راجع به قیمومت برای یار که ها حقیقه تولید زحمتی کرده است زیرا اشخاص ظاهرالصلاح و سلامت رو با این قوانین کمتر حاضر هستند زیرا با قیمومت بروند و مسئولیت آنرا قبول کنند ولیکن بالعکس بعضی از اشخاص که قدری جنبه دیانت در مسائل ندارند شاید آنها بزودی حاضر شوند در جائی که آن نظری که قانون گذار راجع به تصویب این داشته که حفظ مال صغیر باشد حاصل نمیشود و این خیلی از آقایان قضات یار که ها را دچار محذور کرده مطلب اینطور است واقعا اشخاصی که جنبه احتیاط در عمل نداشته باشند هر چه که ما دقیق شویم در قانون اگر آنها بخواهند بعضی کارها بکنند می کنند و هیچ اهمت نمیدهند که در قانون قیودی هم قید شود و وضع شود و ابداً سبب تریب و تضویف آنها نمیشود و آن کسی که باید قبول کند قبول میکند تا آن جاهایش را خوانده است ولی اشخاص سلامت رو با احتیاط این قیود سبب میشود که اگر در بعضی اوقات هم از آنها خواست بشود و تقاضا بشود که بیایند قبول کنید همیشه راه فرار برای خودشان میجویند و ممکن است بگویند با این قانون چطور ما بیایم قبول کنیم آنکه احتیاط نمیکند از این مواد و قیودی که گذارده شده نمیترسد و کار خودش را میکند ولی آن که سالم است و جنبه احتیاط در مسائل دارد چون همیشه میگردد طرف منقی قضیه را میگیرد خیلی کناره گیری میکند و باین قانون متمسک میشود این يك مطلب . يك چیز دیگر هم اینکه در اصل قوانین مدنی مخصوصاً قوانین شرعیه معین است که قیم امین است و امین ضامن نمیشود مگر به تعدی و تقصیر که مستند به فعل و عمل خودش باشد ولی اگر تعدی و تقصیر در حضور در حفظ مال مولی علیه مستند باو نباشد مسئولیتی متوجه به او نیست حالا در این ماده بنده خواستم عرض کنم اینطور نوشته شده قیمی که تقصیر در ضبط مال مولی علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان آن مال حاصل شده است این درست و صحیح و لهذا آن عبارت بعد

که اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیّم نباشد این بکفقدری مشکل است و تصور میکنم که با این ترتیب اشخاص محتاط و سلامت روزیر بار این کار نمیروند برای اینکه وقتی نه قصور کرد و نه تفریط کرد يك مالی مثل مال خودش ممکن است یکی دیگر بیاید آن مال را شب غارت کند یا آتش بزند او البته مسئول نیست و رویم بنده مقصود این قسمت را نفهمیدم که اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیّم نباشد. قسمت اول صحیح است تعدی اگر از ناحیه قیّم شده باشد البته ضامن است تفریط اگر از ناحیه قیّم شده باشد البته ضامن است ولی اگر مستند بعمل و فعل او نیست چرا مسئول است بنده که ملتفت نشدم اگر توضیحی بدهند که بنده را ملتفت بکنند خیلی متشکرم.

وزیر عدلیه - اظهارات آقای نماینده محترم در این ماده دو قسمت است یکی جنبه مطلب است که آن البته مقدم است و یکی هم سیاست مطلب است که میخواهند عبارت زنده نباشد کد اشخاص خوب بیابند قیّم میت کنند. در این قسمت نانش چون يك قیّمی قبول کرده اند که بنده باصرار کردن ایشان گذاشته ام و وحشت دارند از این کار از آنجا چشمشان ترسیده اما جنبه مطلب اینطور نیست قیّم هم راست است در حکم امین است و تفاوت نمیکند ولی يك وقت تعدی و تفریط نسبت به مال مستقیماً از طرف خود امین حاصل میشود که مال را میخورد و دوری اندازد آتش می اندازد ولی يك وقت مستند به فعل دیگری است ولی باز تعدی دارد حفظ نکرده است مال دستش بوده ول کرده دزد آمده برده یا چیزی را در غیر محل خودش که باید حفظ کند گذاشته است و تلف شده است یا بچه آمده شکسته و از میان رفته و يك عیبی کرده است این جا او سببیت دارد اگر چه علیت تامه نداشته باشد همانقدر که ابدك مداخله او داشته هم بقدر که توانستیم آن فعل را بیک جزئی مستند کنیم بوسوه عمل قیّم در حفظ مال باز او مسئول است این قاعده هم کلی است هم در قیّم است

هم در امین است و نسبت به هر کس که يك مسؤلیتی به عهده او قرار میگیرد از نقطه نظر امانت. اما قسمت دومش که البته این معنائی که من عرض می کنم تا قبل از این جمله (اگر چه) همین معنی را می دهد برای اینکه عبارت این است: قیّمی که تقصیر در حفظ مال مولی علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده تشریح که بکنیم دو وجه می شود یکی این که بفعل مستقیم خودش نقصانی حاصل میشود یا به فعل غیر که مستند باو باشد لکن این جمله اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیّم نباشد برای توضیح همان قسمت دوم است که بنده شرح دادم پس این جمله را از حیث مطلب لازم دارد از حیث توضیح هم لازم دارد و بالاخره قانون است و باید توضیح داد که از اول هر کس تکلیف خودش را بداند یا قبول میکند یا قبول نمیکند او باید قانون را بداند و تکلیف خودش را بداند که مسؤلیت را قبول میکند اول نباید بگوئیم که باو کاری نداریم ولی بعد در مقام عمل او را زیر قیدی بگذاریم این هم خوب نیست در قسمتی هم که آقای روحی راجع به الفاظ بیان کردند این جا دو مطلب است يك وقت يك الفاظ و عباراتی که در محاورات ما مصطلح نیست و ما در قانون گذاشتیم این کار ما نکردیم سعی کردیم الفاظی که در محاورات ما مصطلح است و اکثر میفهمند در قانون بگذاریم اما این که فرمودند هر فارسی دان بفهمد این غیر ممکن است بجهت این که مسائل علمی است تنها فارسی دان نمیفهمد و سررد نمیآورد باید يك مقدمات حقوق و فقه خوانده باشد که معانی اینها را بفهمد محجور راه نمیداند و قیّم را هم نمیداند معنائش چیست اما راجع باین که بخواهیم از حالا الفاظ خارجی را دور کنیم و لغات فارسی بگذاریم آن البته وظیفه ما نیست و کار فرهنگستان است ممکن است در آیه يك تسهیلات خوبی در تکلم زبان فارسی بکنند و ما هم متابعت کنیم و ممکن است تمام اینها را در يك موقعی که يك لغات معمول و متعارف پیدا کردیم

اما نه غیر متعارف و غیر مانوس که معنی مجهول تر شود قانون را باید خیلی احتیاط کرد که الفاظی که معنائش مجهول باشد نباید گذاشت وقتی که الفاظ را پیدا کردیم ممکن است با يك ماده واحده این الفاظ را که در قانون بوده تغییر بدیم و تبدیل کنیم و حالا مولی علیه یا قیّم از باب ناچاری است و مانوس تر از محجور یا مولی علیه یا قیّم الان نداریم و اگر بخواهیم فارسی بنویسیم باید يك سطر فارسی بنویسیم آهم اگر ده کلمه باشد نه تاش باز عربی خواهد بود.

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - اگر چه فرمایشی که آقای وزیر محترم عدلیه فرمودند برای تشویق امثال بنده است و مقصودی در بین نبوده ولی راجع بآن قسمتی که فرمودند راجع به بنده خود دوسیه پار که هست بنده پنج شش مرتبه استعفا داده ام و مخصوصاً آخرین استعفای بنده یازدهم مرداد هذالسنه بوده است اساساً استنکاف از قبول قیمومت کردم راجع بآن قسمت هم فرمودند چون تعدی و تفریط در جلد اول قانون مدنی تعریف شده و معین شده است که تعدی و تفریط چیست تعدی تجاوز و تفریط ترك عمل حفظ مال است و این مهال هم بعقیده بنده جزء همان قسمت تفریط است معیناً عرض کردم غرض روشن شدن مسئله بوده است چیز دیگری مقصود ندارم.

مخبر - در افراط و تفریط که البته مسئول است اینجا تقصیر در حفظ است (جمشیدی) - تقصیر اعم از تعدی و تفریط است (فرض بفرمائید يك انباری داشته است در اینجا يك رخنه داشته که ده مرتبه فرستاده اند این رخنه را درست بکنند نکرده خراب شده آب افتاده و این جنس را خراب کرده این تفریطی نیست که بعمل او منتسب باشد ولی چون تقصیر در حفظ کرده است مسئول است.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۳۸ قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۲۳۹ قرائت میشود:

ماده ۱۲۳۹ - هر گاه معلوم شود که قیّم عامداً مالی را که متعلق بمولی علیه بوده جزء صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است بمولی علیه وارد شود بملاوه در صورتیکه عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیّم معزول خواهد شد.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده در اینجا يك توضیحی میخواستم در ذیل ماده دارد. مسئول هر ضرر و خسارتی که از این حیث ممکن است بمولی علیه وارد شود خواهد بود بملاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیّم معزول خواهد شد. خواستم عرض کنم که این سوء نیت قیّم محتاج است باینکه ثابت شود در محکمه و آنوقت معزول شود یا اینکه محتاج نیست تشخیص این سوء نیت و عزل قیّم طرزش و تشریفاتش چه چیز است این را يك توضیحی بفرمائید که توضیح خودش موجب کمال ماده قانون است.

وزیر عدلیه - ترتیب عزل قیّم در مواردی که منعزل میشود چون بعضی موارد است که منعزل میشود و بعضی موارد است که محتاج است بحکم عزل البته مدعی العموم دلائل خودش را در محکمه اقامه می کند بطرفیت قیّم و قیّم هم مدافعه خودش را می کند وقتی که بر محکمه ثابت شد حکم عزل او را می دهد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۲۳۹ قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۲۴۰ قرائت می شود:

ماده ۱۲۴۰ - قیّم نمیتواند بسمت قیمومت از طرف مولی علیه باخود معامله کند اعم از اینکه مال مولی علیه را بخود منتقل کند یا مال خود را باو انتقال دهد.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - اینجا يك توضیح بیشتری میخواهم ماحشرط کردیم برای اطمینان امانت را و شرابطنی را معین کردیم

موافقت کرد یعنی مورد توجه قرار داد و آن این است که اتفاقاً در يك موردی هم چند روز پیش من مشاهده کردم که يك صغیر يك قرضی داشت که بایستی آنرا ادا کند و برای آن مال یعنی خانه اش مشتری پیدا نشده بود اتفاقاً بکار خود قيم میخورد قيم حاضر بود از قيمت عادلانه هم چیزی بالاتر برای صرفه صغیر بخرد و قانون هم تصویب نشده بود من دستور دادم بمدعی العموم مدعی العموم هم محل اطمینان بود که برود بمحل ببیند واقعاً اگر اینطور است معامله بکنند زیرا ما بر ضرر صغیر هم حاضر نیستیم گاه اتفاق میافتد ولی همانطور هم که آقای مؤید احمدی بیان کردند يك موارد نادره است پاره از امور را برای اینکه در مظان تهمت است قانون منع میکنند و اینجاست با اعتبار این است که در مظان تهمت است همه چیز صغیر دست اوست پس فردا صورت حساب میدهد که اینقدر از مال صغیر را بخودم فروختم و در نتیجه صغیر را بی بضاعت کرده و ضرر زده است و بعد هم تا اثبات شود شاید مشکل باشد و بهتر آنکه منع کنیم حالا هر دو جنبه ممکن است و اگر فرض شود در مواردی که بطور نادر پیش میآید بر مصلحت است تصویب مدعی العموم را شرط بکنیم که بتصویب او باشد بنظر بنده باز ضرر ندارد و ممکن است آقای اورنگ پیشنهاد کنند آقایان هم در این زمینه فکر بفرمایند و ببینند مصلحت چیست.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده تصور می‌کنم که اگر همین اجازه هم داده شود که با اجازه مدعی العموم باشد فایده نداشته باشد چون آقای وزیر محترم عدلیه هم فرمودند که يك موارد نادره ممکن است پیدا شود در این صورت خود مدعی العموم معامله میکند مدعی العموم خودش نصب قيم میکند خودش میتواند طرف معامله بشود خودش این معامله را بکند ولی با اجازه مدعی العموم تصور میکنم مضارر قطعاً بیشتر از مواردی خواهد بود که بشود از آن استفاده کرد بنده این قانون را با این حالت خودش بهتر میدانم.

رئیس - پیشنهاد آقای اورنگ

پیشنهاد میکنم در ذیل ماده ۱۲۴۰ اضافه شود مگر بتصویب مدعی العموم
اورنگ - بنده آقایان نظر خاصی در این موضوع نداشته و ندارم در طرفین قضیه هم میشود استدلال کرد هم در طرف نفیش هم در طرف اثباتش چنانچه بنده عرض کردم و چنانچه آقای مؤید احمدی فرمودند و چنانچه آقای وزیر محترم عدلیه جنبه طرفین قضیه را تحت نظر گرفتند و بیان فرمودند عرض میکنم که ما آمدیم و يك موادی را تصویب می‌کنیم و در این مواد تمام این شرایط امانت را ذکر کرده ایم خلاف آن را هم ذکر کرده ایم برای هر جزء جزء از خلاف يك مقرراتی وضع کرده ایم و داریم رأی میدهیم چه فرق میکند اگر در مواد قبل قيم با امین خیانت کرد در و وظیفه خودش ما او را میگیریم و هر گونه جزائی هم که معین کرده ایم بیای او می‌نویسیم اگر در این اختیاری هم که بانظر مدعی العموم باو میدهیم سوء استفاده کرد موافق مقررات همین قانون بجزای خودش میرسد اما اگر يك همچو لفظی نباشد و يك همچو موردی که آقای وزیر محترم عدلیه بیان فرمودند پیش بیاید چون قانونی در مقابل نداشته یا نداشته باشند بمحظور مبتلی می‌شوند بنده عرض نمی‌کنم که بشر جنس عالی است خیر این اعتقاد را ندارم اگر جنس عالی بود این مواد اینجاست شریف نمیآوردند بشر را همه میشناسیم خلق الله را همه میشناسیم غالباً اتفاق میافتد که آنطرفی تشریف میبرند از همان طرفی که شما بند و قید برای او می‌گذارید شما که در این مواد قید و بند هائی برای خلاف امانت یا خلاف وظیفه برای قيم و امین قائل شده اید چه فرق می‌کند اگر چنانچه امروز مالی متعلق بصغیری لازم شود که فروخته شود و الان قيمت عالی ندارد قيم هم مرد محترم و معتبری است بخود آن قيم تحمیل میکنند و می‌گویند این مال اینطور و اینطور است و تو این را قبول کرده باشی پس فردا بمنفعت میرسی و حاجت آن صغیر هم رفع میشود با بودن این حق در این ماده آقای

وزیر محترم عدلیه دستور میدهند بمدعی العموم که او نظر بکنند در صورتیکه صواب و صلاح باشد این معامله را بکنند و در صورتیکه از يك همچو حقى يك قيمى سوء استفاده کرد بموجب همین مواد تعقیب می‌شود ما چه باک و بیمی داریم آن آدمی که نظرش ناپاک است بصواب نزدیک نیست او که با این مواد پاك نمیشود ناپاک را هر جا بگذارى ناپاک است هر جور با او عمل کرده باشند باز آن ناپاکی خودش را عمل میکند ولی ما جزایش میدهیم و اگر خیر آدم درست و سلامتی بود که در کمال صفا عمل کرده است و برای قانونگذار هم محظوری ایجاد نشده و در مواقع لازم هم میتوانند با این لفظ نظر خودشان را اجرا کرده باشند این حاصل عرض بنده بود و الا نه بنده در این طرف قضیه اصراری دارم و نه در آن طرفش
رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنظر بنده ماده طوری که نوشته شده است حقوق صغیر و مولی علیه بهتر محفوظ است راست است که يك موردی بطوری که آقای وزیر عدلیه اظهار فرمودند گاهی ممکن است پیدا شود که بفتح صغیر باشد ولی قانونی که نمیتواند برای يك فرد اجازه بدهد همینطور که پیشنهاد کردند يك اجازه کلی باید بدهند که بتصویب مدعی العموم قيم بتواند ملاحظه کند در مال صغیر و معامله کند و مال را بخودش منتقل کند یا بالعکس این کار بنظر بنده برای خود مال صغیر خیلی خطر دارد چرا؟ فرض بفرمائید يك صغیری که دو سال یا چهار سال دارد يك قيمی برایش معین شد و این صلاح دانست با يك مدعی العمومی که خیلی صالح نباشد با هم قرار گذاشتند و موافقت کردند و ملك خوبی که صغیر دارد و فروختند این کی معلوم میشود وقتی که صغیر هجده سالش شد و از تحت قیمومت خارج شد تازه میفهمد که در ۱۶ سال پیش مالش را کسی فروخته اصلاً ما نبایستی بگذاریم اینطور پیش بیاید تا او مجازات شود همانطور که ماده که نوشته شده است رعایت کرده این کار را که هم برای خود قيم اسباب زحمت ایجاد نمیشود و هم حقوق صغیر محفوظ است و اگر

که بموجب آن شرایط امین باقیم میتواند تصرف در مال يك صغیری کرده باشد همچو فرض میکنیم که ملكی از صغیر مشتری ندارد و فعلاً بيك جهتی از جهات فروش او لازم است و قيم هم ملاحظه میکنند که اگر او را در معرض فروش بگذارند بقيمت واقعی خریده نمیشود اگر ما در قيم با امانت قائل هستیم و برای خلاف امانت او را مجازات می‌کنیم چه عیب دارد که در يك همچو موقعی این ملك صغیر را بخودش انتقال بدهد صرفه این صغیر را در این معنی به بیند و بالعکس صرفه صغیر را در این بیند که از خودش باو چیزی بفرود می‌بیند امروز قيمتش این است فردا در تعقیب آبادی و عمران قيمتش عالی میشود يك همچو ملكی را انتقال بدهد بصغیر اگر ما شرط امانت را در قيم قائل هستیم و در صورت ثبوت خلافش او را مجازات میکنیم دیگر چرا این قید را در اینجا میگذاریم که هر جا به صلاح صغیر يك امری را ملاحظه کرد نتواند این امر را تعقیب کند چرا این منع را در این ماده نسبت بقیم قائل می‌شویم سببش چیست.

مخبر - عرض کنم خدمت آقای اورنگ يك فرضی گرفتند و آن این است که يك قيمی است عادل و معصوم و يك صغیری است مالش افتاده و پولی لازم دارد میخواهد ملكش را بفروشد کسی هم پیدا نمیشود این قيم هم محضاً لاله میخواهد مال صغیر را حفظ کند و پول بدهد که بدر کار صغیر بخورد آقا این فرض را گرفتند اما ۹۹۹ فرض دیگر هست که میخواهد مال صغیر را از میان ببرد آقا اگر ما این اختیار را دادیم بهر قيمی که بتواند مال صغیر را بخودش منتقل کند تمام مال صغیرها از بین میرود بکفرد قادر را تکبیرید و رویش استدلال کنید آن طرفش را بگیرد اگر این حق را دادید بهر قيمی که بتواند مال صغیر را بخودش منتقل کند بجان شما بلا استثناء می‌کنند بنده که سراغ ندارم بندرت این فرض حضرت عالی متصور می‌شود.

وزیر عدلیه - اینجاست میتوان با منطق بیان آقای اورنگ

يك محل و موردی پیدا شد و ممکن است در آنجا بنفع صغیر باشد بهتر این است که این قانون دست نخورد و اگر ده يك هم کمتر بدهند بصغیر صرفه اوست چون راهدعوی بسته می شود و اگر اجازه مدعی العموم هم داده شود همه جا ممکن است که با موافقت مدعی العموم يك عملیاتی در مال صغیر بشود که هم برای مدعی العموم بعد اسباب زحمت شود هم برای قیم و خسارت هم بصغیر بخورد و بعقیده بنده اگر آقای وزیر محترم عدلیه موافقت فرمائید که ماده بهمان ترتیب باشد بهتر است.

اورنگ - بنده اصراری ندارم مسترد میدارم

رئیس - رأی گرفته می شود بماده ۱۲۴۰ آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۵ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز سه شنبه اول مهر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح موجوده (مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه تنظیم مقرراتی برای ورود بذر و سایر قسمتهای نباتی از خارجه

ماده واحده - اداره کل فلاحت مجاز است با تصویب هیئت وزراء برای ورود بذر و سایر قسمتهای نباتی که برای کشت و ازدیاد از خارجه بایران وارد میشود شرایط و مقرراتی جهت تأمین صحت نباتات تنظیم نموده بوقوع اجرا بگذارد این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و پنجم شهریور ماه یک هزار و سیصد و چهارده شمس تصویب مجلس شورای ملی رسید

قانون

تفتیش صحیح حیوانات

ماده ۱ - صاحبان و مباشرین و مستحفظین اغنام و احشام موظفند بمحض بروز مرض مسری بین حیوانات خود مراتب را فوراً بمأمورین تفتیش صحیح حیوانی محل خود و اگر نباشد به حکومت - نظیه - یا امده همان محل اطلاع دهند.

تبصره ۵ - صورت امراض مسری و علامات آن از طرف اداره کل فلاحت بوسیله اعلان باطباع عامه خواهد رسید.

ماده ۲ - کلیه مستخدمین دولت بمحض اطلاع از وجود یا بروز مرض مسری حیوانی مکلفند فوراً به نزدیکترین مأمور تفتیش صحیح حیوانی مراتب را اطلاع دهند.

ماده ۳ - هر حیوانی که مبتلا یا مظنون بابتلای یکی از امراض مسری باشد باید بدون تأخیر از سایر حیوانات جدا و در محل علیحده نگاهداری شود.

ذبح و باز کردن جسد - حمل و نقل و فروش و استعمال گوشت و پوست و روده و پشم حیوان مبتلای بامراض مسری ممنوع است.

ماده ۴ - در موقع بروز مرض مسری حیوانی رئیس تفتیش صحیح حیوانی حق دارد مقررات ذیل را در منطقه که مورد تهدید مرض قرار گرفته بوقوع اجرا گذارد:

جدا کردن حیوانات مریض از سالم.

مانعت ورود یا عبور حیوانات سالم به منطقه آورده.

تلقیح حیواناتی که مستعد قبول مرض میباشند.

کشتن و دفن کردن حیوانات مریض.

ضد عفونی کردن طولیه ها - اصطبل ها و کلیه اشیا که ممکن است موجب انتقال مرض شوند.

ماده ۵ - تهیه دوا و مایه هائی که تلقیح آن اجباری است و مخارج ضد عفونی کردن مجاناً به عهده اداره کل فلاحت است.

ماده ۶ - مستخدمین تفتیش صحیح حیوانی اقل سه ماه بیکر تبه طولیه ها - اماکن مخصوصه تربیت حیوانات - کارخانه های مخصوص تهیه محصولات حیوانی را معاینه میکنند.

ماده ۷:

۱ - بگوشت حیواناتیکه در مساع سالم تشخیص داده شوند مهر مخصوص زده میشود مفتش صحیح هر مسلخ موظف است گوشتهای غیر سالم را معدوم و یا بصورتی در بیاورد که استفاده از آن برای مصرف ارتزاقی مقدور نباشد.

۲ - اداره تفتیش صحیح محصولات حیوانی موظف است مؤسسات و کارخانجاتی را که به تهیه مصنوعات و محصولات حیوانی اشتغال دارند همیشه تحت تفتیش صحیحی قرار دهد.

۳ - مؤسسات مذکور در فوق موظفند محصولات خود را طبقه بندی صحیح نموده و بطوریکه اداره کل فلاحت دستور میدهد برای صادرات باربندی نمایند.

روی لقال هر بسته از محصولات مزبور توسط مأمورین صحیح حیوانی نمره گذاری و مهر خواهد شد.

۴ - اداره کل فلاحت باید برای هر عدل محصولی که به ترتیب فوق نمره گذاری و مهر شده باشد تصدیق نامه صحیحی مطابق نمونه که بموجب نظامنامه معین میشود صادر نماید.

ماده ۸ - متخلفین از مقررات این قانون محکوم به حبس از يك تا هشت روز و یا جزای نقدی از ده تا پانصد ریال خواهند گردید.

تبصره - متخلفین از ماده يك این قانون در حکم متخلفین از دستورات صحیحی محسوب و بجزایات خلافی محکوم خواهند شد.

ماده ۹ - تاریخ اجرای این قانون را در هر يك از ایالات و ولایات اداره کل فلاحت تعیین و اعلان خواهد نمود.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و پنجم شهریور ماه یک هزار و سیصد و چهارده شمس تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری